

ای اشخاص محترم الحمد لله نائره حرب در اکثر بلاد خاموش گشته و صلح و سلام ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۱۳۳

خادمان وحدت عالم انسانی احبای الهی علیهم و علیهن البهاء الأبهی ملاحظه نمایند

ای اشخاص محترم الحمد لله نائره حرب در اکثر بلاد خاموش گشته و صلح و سلام بیک درجه انتشار یافته از الطاف الهی امیدم چنانست که بکلی این آتش خاموش شود و علم صلح و سلام بر جمیع آفاق موج زند هرچند این بدایت طلوع صبح صلح عمومیت امیدوارم که آفتاب روشنش بعون و عنایت الهیه طلوع نماید و جمیع آفاق را بنور اتحاد و اتفاق و صلح اکبر روشن فرماید و در جمیع اقالیم نفوس عاقلی مبعوث گردند و از تعصبات دینی و تعصبات جنسی و تعصبات سیاسی و تعصبات وطنی نجات و فراغت یابند زیرا تا این تعصبات در عالم انسانی حکمرانست راحت و آسایش مفقود و هر روز بیپناهی نزاع و جدال در میان آید ملاحظه نمائید هرچند قرون اولی فی الحقیقه تاریخش چنانکه باید و شاید معلوم و محقق نیست بلکه وقایع ده هزار سال پیش بکلی مجهول تاریخ تاریکست ولی از چهار پنج هزار سال تا بحال اعتماد بر تاریخ توان نمود جمیع این مدت در اکثر اقالیم عالم شعله نائره حرب باوج اعلی میرسید و این جنگهای خونریز یا منبعث از تعصبات دینی بود یا از تعصبات جنسی یا از تعصبات وطنی یا از تعصبات سیاسی پس معلوم و محقق گشت که تعصب هادم بنیان انسانیت تا این تعصبات از قلوب بشر زائل نگردد علم وحدت عالم انسانی بر شرق و غرب موج زند هنوز این تعصبا زلزله بر عالم انسانی می اندازد و انسان را از کشف حقیقت محروم مینماید و برهان بر این اینکه این بلاد شرق بسیار تاریک بود ظلمت مستولی بود و اهالی شرق در آتش ظلم و اعتساف میسوختند نفوس بتازیانه استبداد محو میشد اموال سلب می گشت راحت بکلی منقطع هیچ نفسی از جان خود و مال خود و تعذبات شدیده مطمئن نبود همیشه خائف بود زراعت در تناقص صنعت در تدنی تجارت در خسارت ثروت عمومی در تالان و تاراج شرق باین مصائب کبری مبتلا تا آنکه غبار جنگ بنشست و صبح صلح و سلام کم کم رو بطلوع نهاد دولت عادلۀ بریتانیا باین صفحات استیلا نمود از برای ملل مختلفه و مذاهب مختلفه آسایش و راحت دل و جان حاصل گشت و جمیع از جان و مال و راحت خویش امین شدند ولی چنین نعمت عظمی را سهل شمرده اند و باوهامات پرداخته اند تعصب دینی و تعصب جنسی و تعصب سیاسی و تعصب وطنی بجوش و خروش آمده و اظهار عدم رضایت از حالت حاضره میشود زیرا بعضی از فتنه جوین خودپسند تخدیش اذهان عوام میکنند که استقلال تام حیاست و عدم استقلال تام ممت است هرچند ما از آفات ظلم و



ORIGINAL

تعدّی خلاص شده‌ایم ولی استقلال نداریم باید بکوشیم تا استقلال تام یابیم ولی ملاحظه نمیکنند که در ازمنه استقلال چون قانون حکمران نبود و نظامی در میان نبود رؤسای حکومت مثل علت کابوس بر ملت مستولی و روز بروز مملکت و مدنیّت در تدنی استقلال البتّه مقبول و مدوح ولی بشرط آنکه در مملکتی تمدّن تام و مهارت عظیم سیاسی در میان آید و اگر نفس اهالی در مدنیّت سیاسی و مدنیّت اخلاقی ترقّی نمایند استقلال مفید نیست بلکه مضرّ است ملی را که در مدنیّت چنانکه باید و شاید ترقّی نموده‌اند استقلالیّت فائده‌ئی نبخشند چنانکه تجربه شده است مثلاً هشتصد سال است ایران مستقلّ بود این استقلالیّت ابداً مفید نبود روز بروز تدنی میکرد تا آنکه ایران ویران شد بالأخصّ در این ازمنه اخیره حال قریب بیست سال است که در ایران آتش حرب داخلی شعله میزند جمیع ولایات ویران شده و اموال اهالی بتالان و تاراج رفته زلزله اختلال ایران را متزلزل نموده و احزاب مختلفه پیدا شده و هر حزبی را آرزوی متّصل در نزاع و جدالند دولت روس مستولی شده بود و بتمام تعدّی می‌پرداخت حال جمیع راهها در بین مقاطعات مقطوع و قبائل و عشائر صحرائی در تعدّی تجارت در تنزّل صناعت در تدنی فلاح در تناقص حقط و غلا مستولی حال دولت عادلّه بریتانیا با ایران معاهده‌ئی نموده و بسبب این معاهده در تنظیم و ترتیب و تسکین اشرار و آسایش اهالی میکوشد و بنهایت محبّت و مهربانی معامله مینماید ولی صاحبان غرض خودپسند آرام نگیرند هر روز بهانه‌ئی نمایند مقصودشان آنست که دوباره ایران بر اسلوب قدیم بچنگ نفوس مستبده درآید و مثل سابق که هزار سال تجربه شده دوباره اهالی گرفتار گردند تا محرّکین خود در این میان نفوذ عظیم حاصل نمایند و بمنفعت شخصی خویش خدمت نمایند دولت عادلّه انگلیز بکرات و مرّات ایران را از چنگ اجنبی خلاص نموده قریب صد سال پیش دولت روس دولت ایران را شکست داد و بسیاری از ولایات ایران را مستولی شد و نزدیک بود طهران را فتح نماید دولت بریتانیا ایران را از چنگ روس خلاص کرد و همچنین از دول متجاوره سائره محافظه نمود و اگر این محافظه نبود مملکت ایران بکرات و مرّات تا بحال مسخر دول دیگر میگشت حال مداخله بریتانیای عظمی در تنظیم ایران بموجب معاهده جدیدی هیچ شبهه‌ئی نیست که سبب شود و اختلالات داخلیّه زائل گردد و احزاب را از جنگ و جدال بازدارد راحت و آسایش حاصل گردد امنیت راهها حصول پذیرد مدنیّت ترقّی نماید فلاح و زراعت و صناعت روز بروز افزون گردد وسائل مدنیّت از هر جهت حاصل شود تمدید راه‌آهن گردد معادن مهمله اشغال شود ثروت مملکت بحیّز شهود آید معارف ترقّی کند عدالت محافظه حقوق عموم طوائف نماید اما عدم مداخله دول و ملل متمدنه در ایران هزار سالست تجربه شده است هیچ منفعتی حصول نیافته است امیدواریم که مدنیّت کامله در ایران ترقّی نماید تا بدرجه‌ئی رسد که سبب سعادت ایران شود و بتوانند که دارائی خود بنمایند و روز بروز ترقّی نمایند ولی حال حاضر ابداً فائده‌ئی ندارد مثلاً نظیر مصر در زمان اسماعیل پاشا من به مصر رفتم و مصر هرچند مستقلّ بود ولکن روز بروز رو بتدنی بود خزینّه مصر غرق در دیون بود معارف بکلی مفقود جز چند مدارس دینی حال در سفر اخیر چند سال پیش که به مصر رفتم دیدم که عروه الوثقی تنها در اسکندریه بیست و چهار مکتب تأسیس نموده و بر این قیاس در سائر شهرها و قری مدارس ابتدائی و مدارس عالیّه تشکیل شده و جوانان تحصیل مینمایند مأمورین سابق همه جاهل مأمورین جدید همه مخرج از مدارس در سابق واردات عمومی هشت‌میلیون حال از بیست‌میلیون تجاوز نموده مدفوعات قطنی سیزده‌میلیون بالو بود حال قریب پنجاه‌میلیونست اراضی هر فدائی سی و چهل لیره ارزش داشت حال قیمت اراضی به سیصد لیره چهارصد لیره رسیده اهالی قری محتاج و غرق در دیون بودند حال اهالی از دیون آسوده گشته و قرایای مطموره معموره گردیده ملاحظه نمائید که چه قدر اقلیم مصر ترقّی نموده اگر بر استقلالیّت سابق میماند یقین است که روز بروز تدنی مینمود اسماعیل پاشا مالیات املاک را سه سال پیش تحصیل کرده بود و همچنین سائر معاملات در نهایت اسراف بود مثل آنکه اقلیم مصر از برای شخص او خلق شده حال الحمد لله

جميع این تعدّیات مندفع حقوق اهالی محفوظ بزرگان را دست تعدّی بسته فقرا آسوده گشته پس آن استقلالیت را چه فائده لهذا اگر بر این منوال مصر ترقّی نماید عنقریب مدنیّت چنان ترقّی نماید که لیاقت استقلالیت حاصل نماید مثلاً سوریه و اناضول خراب و ویران بود از روزی که دولت بریطانیا حلول نمود و بعدالت پرداخت جميع اهالی راحت و آسوده شدند و بفکر ترقّی افتادند در ازمئه سالفه در قرون اولی سوریه ویران بود دولت ایران دولت یونان حلول نمودند مدنیّت سوریه ترقّی کرد بعد از مدّتی باز ویران گشت دولت رومان حلول نمود باز مدنیّت در سوریه ترقّی کرد تا باعلی درجه رسید آثار این دو دولت الآن در سوریه موجود دلالت مینمایند که چه قدر خدمت بمدنیّت سوریه نمودند بعد سوریه استقلال حاصل نمود ولی از استقلالیت روز بروز تدنّی کرد و فائده بخشید زیرا حکومت مختلفه تابع نمود و هیچیک فائده نداشت مقصود اینست که امید ما چنانست که از احتلال دولت عادلّه بریطانیا روز بروز این مملکت ترقّی نماید تا لیاقت استقلالیت حاصل نماید و جميع این مشاکل حلّ گردد

ای احبّای الهی این تعصّبات دینی و تعصّبات سیاسی و تعصّبات وطنی و تعصّبات جنسی مخربّ عالم انسانیت عدالت مقبول و مألوف خواه از اهل مملکت باشد و خواه از بیگانه دوست بیگانه خیرخواه بهتر از آشنای نادانست باید عالم بشر بکلی از اوهام تعصّبات نجات یابد روی زمین یک وطن است و جميع بشر یک ملت جميع سلاله آدمند و دین تعلق بسیاست ندارد دین مروج اخلاق حمیده است اهل ادیان باید بکوشند تا دین سبب الفت بین اجناس شود والا از دین نتیجهئی حاصل نگردد ادیان الهیه سبب الفت است تا تعصّبات قومیه نماند جميع اقوام با یکدیگر مهربان شوند و از اوهام جنسیّت بکلی منسلخ شوند عدالت مقبول ولو از بیگانه باشد و ظلم مذموم ولو از برادر انسان باشد این حقیقت است ماعدای این جميع اوهام بیگانه عادل برادر است و برادر ظالم بیگانه است از خدا خواهم که شما مروج وحدت عالم انسانی باشید و خیرخواه عموم بشر و بکوشید تا صلح عمومی در قطب آفاق خیمه زند و علم وحدت عالم انسانی در شرق و غرب موج زند اینست رضای خدا اینست اساس دین اینست سیاست کتب مقدّسه اینست سبب سعادت عالم انسانی آن زمان گذشت که بشر با اختلاف اقوام و ملل سعادت یابد حال این قرن نورانیست و عصر رحمانیست حقائق پرده برانداخته و اوهمات تعصّبیّه واضح و مشهود شده که همیشه سبب ویرانی کره ارض بوده جز بالفت و اتّحاد و وحدت عالم انسانی از برای بشر سعادت مستحیل است والسلام

عبدالبهاء عباس

۱۷ کانون ثانی ۱۹۲۰